



کارکنان علمی، اساسی‌ترین سرمایه هر سازمان

اگر در قرن بیستم مهمترین دارایی‌های یک شرکت، ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی آن بود، "در قرن بیست و یکم ارزشمندترین دارایی هر کسب و کار، کارشناسان علمی، ماهر و متخصص آن است." از آنجا که نتیجه هر فعالیت و کار باید برای رفع نیاز و مصرف خاصی مد نظر قرار گیرد و در غیر این صورت اتلاف منابع خواهد بود، لذا در بهره‌وری کار، موضوع کیفیت - یعنی قابل استفاده بودن برای مصرف‌کننده - اهمیت دارد و در واقع محور اصلی و جوهر بهره‌وری را تشکیل می‌دهد. به همین خاطر باید به کارگر یا نیروی کار علمی با دید یک دارایی نگاه کرد نه هزینه.

بعضی از مدیران به نیروی انسانی به صورت هزینه می‌نگرند، در حالی که کارگر یا نیروی کار علمی، دارایی سرمایه‌ای هر سیستم محسوب می‌شود. با این دیدگاه بسیار بجاست بگوییم که این دارایی سرمایه‌ای باید رشد و توسعه یابد و نگهداری شود و **وظیفه مدیریت هم همین است.** این کار مستلزم تغییر در نگرش‌های مربوط به کارگران و کارکنان علمی است. به کارگیری دانش در انجام دادن فعالیت‌های هر سازمان چیز تازه‌ای نیست، اما تلقی آن به عنوان یک سرمایه، موضوع جدیدی است و شاید مهمترین تفاوت بین سازمانها در نوع نگاه به همین سرمایه با ارزش باشد.

بهره‌وری کارکنان علمی بزرگترین چالش مدیریتی است که می‌تواند رمز تداوم و بقای هر کسب و کار باشد. همچنین سرمایه انسانی است که قدرت ایجاد ثروت را به سازمانها می‌دهد و لذا مزیت رقابتی سازمانها بستگی به توان جذب و نگهداری کارکنان علمی دارد.

اهمیت دادن به دانش کارکنان، نقطه شروع بهبود بهره‌وری و رسیدن به نتیجه مطلوب است؛ چرا که افزایش و بهبود بهره‌وری نیازمند آموزش مستمر است. یادگیری باید از شروع کار آغاز شود و پیوسته تداوم داشته باشد.

اگر کشوری در پی توسعه اقتصادی است، باید بهره‌وری کارکنان را از طریق ارتقای دانش دنبال کند. هر کشوری که بیشتر از دیگران در این راه موفق شود، قدرت برتر اقتصادی خواهد بود.

داشتن کارکنان علمی که به دانش مجهز باشند و مسایل را به شیوه علمی حل کنند، امروزه یک مزیت رقابتی برای سازمانهاست؛ چرا که تولید کالا و یا ارائه خدمات با کیفیت و با هزینه پایین فقط از طریق اقتصاد مبتنی بر دانش ممکن خواهد بود؛ زیرا داشتن این قدرت در سازمانها و شرکتها موجب یک مزیت رقابتی برای آنها می‌شود.

دانش، هم‌تراز سرمایه‌های دیگر سازمان نیست، بلکه تنها منبع سازمان در عصر حاضر است. دانشمندان، مدیریت دانش را منبع قدرت با کیفیت بالا و کلید دستیابی به انتقال قدرت می‌دانند. آینده از آن سازمانهایی خواهد بود که دانش در آنجا نهادینه شده است و کارکنان علمی آنها را مدیریت می‌کنند.

به تعبیر پیترو دراگو «کارگر علمی بزرگترین سرمایه است». لذا استفاده مناسب از کارکنان علمی امروزه یکی از مهارت‌های مدیریتی هر سیستم است. کارگر علمی یک نیروی اجرایی علمی است که می‌داند چگونه دانش را برای استفاده بهره‌ور به کار گیرد. همان طوری که سرمایه‌دار می‌داند که چگونه سرمایه را تخصیص دهد.

عبارت «دانش قدرت است» (Knowledge Is Power) در دهه اخیر مطرح گردیده و واقعیتی است که تمام سازمانها باید به آن بیندیشند. مقاله‌ای که در این زمینه در سال ۱۹۹۳ در مجله نیوزویک به چاپ رسیده، تأکید می‌کند که:

آینده به مردمی تعلق دارد که به جای دستها مغزها شان را به کار می‌برند.